

## جهل‌گریزی و جورستیزی در فقه جعفری<sup>۱</sup>

دکتر عزت السادات میرخانی<sup>۲</sup>  
استادیار دانشگاه امام صادق(ع)

### چکیده

فقه شیعی که رهین تلاش بی‌بدیل صادق آل محمد(ص) است، بواسطه جامعیت و توانایی خاص در میان سایر مکاتب از امتیازاتی برخوردار است. عمق بصیرت و برنامه‌ریزی جامع و آگاهی کامل امام صادق(ص) موجباتی را فراهم کرد تا شیعه در «تفقه دینی» زبانزد جوامع علمی بشر در طول اعصار گردد؛ قبل از زمان صادقین عدم دسترسی به شیوه صحیح فقهی برای شیعیان یک ضعف محسوب می‌گردید؛ زیرا مبانی این علم از سوی پیامبر(p) و امیرمؤمنان(ص) تبیین گردیده بود، لیکن سیاستهای اموی سعی در تخریب و تضعیف آن داشت. لذا امام صادق(ص) نهضت علمی و فقهی شیعی را به گونه‌ای بنیان نهاد که در عین برخورداری از علم و حکمت، منطق و بصیرت، به مقابله جدی و مبارزه علمی با تفکرات انحرافی و مصلحت‌ساز از سوی حاکمان و ظلمه بپردازد. او در این شیوه، ارائه حجم فراوانی از علوم و فنون با اندیشه توحیدی، خبره‌پروری، طبقه‌بندی علوم و ایجاد ارتباط منطقی میان آنها، نظام‌سازی، نوآوری و قانون‌مندی فقه، ارائه اسلوب اصل‌سازی و قاعده‌پذیری را در متن علوم اسلامی از آن جمله فقه به خوبی نهادینه ساخت. این مقاله به بعضی از مختصات فقه مزبور از جهت مبانی علمی و سیاسی بویژه مقابله با ظلمه و طواغیت می‌پردازد.

### واژگان کلیدی

تشیع راستین، فقاہت علمی، فقاہت سیاسی، نفی طواغیت، اقسام ولاء  
یکی از مختصات مهم فقه شیعی (که احیاگر آن جعفر بن محمد الصادق(ص) به سبب اهتمام جدی بر استواری و جامعیت آن، مورد تمجید و ستایش اندیشمندان مکاتب متعدد تا امروز قرار گرفته)، ارائه اسلوب علمی منظم و دقیق فقهی، اجتهادی

۱- کار ارزیابی این مقاله در تاریخ ۸۵/۷/۱۸ آغاز و در تاریخ ۸۵/۸/۱ به اتمام رسیده.

۲- سردبیر فصلنامه ندای صادق.

است که در عین پویایی، ماندگاری را به همراه داشت. سیستمی که در طول تاریخ به رغم تهدیدات و تعرضات علیه شیعه و امامانشان بدور از جمود و التقاط، بدعت و انحراف، در نهایت آمیختگی با علم و حکمت و تزکیه و عقلانیت، با محوریت کتاب و سنت، مسیر خود را به سوی اعتلا و پاسخگویی طی نمود، که بنابر اعتراف مکرر عالمان غیرشیعی شاکله اندیشه و حیانی را بر پایه مستندترین ادله عقلانی ارائه نمود و با خاستگاهی کاملاً علمی دریچه‌هایی از حقایق عالم تکوین و تشریح را به سوی جوامع بشری گشود.

شخصیت بی‌بدیل علمی امام صادق (v) نه تنها در دوران متقدم حیات اسلامی بسیار مورد توجه اندیشمندان و ارباب معالم و مکاتب بود، بلکه در تمامی زمانها و از اقصی نقاط عالم کسانی که با مشرب علمی این امام شیعی آشنا گردیده‌اند، در برابر دریای بی‌منتهای علوم او سر خضوع و تسلیم فرود آورده‌اند.

### خورشید علم بر فراز قرون و اعصار

استاد محمد قبا زرد در مقدمه کتاب «الامام الصادق کما عرفه علماء الغرب» بعد از ابراز اعجاب نسبت به سرچشمه‌های علمی منبعث از این امام می‌گوید «چرا علمای غرب تلاششان به نشر حقایق اسلام و گنجینه‌های مسلمین بیش از خود آنان است. چگونه است که آنان التفاتشان به رسالت علمی و انسانی و ضرورت حضور و پاسخگویی آن بیش از التفات خود مسلمین است؟!» (آل علی، ۱۴۲۰هـ ص ۶). او علت کشاندن امامت را از فروع به اصول دین در باور شیعی، عظمت و جلالتی می‌شمارد که در امامان ایشان است.

او می‌گوید «شیعه جعفری که منتسب به امام صادق (v) هستند، امام خود را فقط یک زعیم دینی و معنوی آشنا به کتاب و سنت و مجتهد در استنباط احکام در سایه قرآن کریم نمی‌دانند بلکه ایشان را «عالمًا عَبْرِيًّا اسْتَفَى عُلُومَهُ مِنْ مَنَهْلِ الرِّسَالَةِ الْعَذْبِ» می‌شمارند» (آل علی، ۱۴۲۰هـ ص ۶). یعنی عالم و اندیشمندی که فوق او وجود ندارد و او از سرچشمه علوم نبوی سیراب گشته است. این خصایص امام را در بلوغ و نبوغ و اجتهاد، منزلتی رفیع بخشیده و در حل مسائل فقهی پیشرو حرکت‌های علمی عصر خود قرار داده است و در فلسفه و علوم طبیعی و فلکی متمایز ساخته و بعد

از گذشت قرون و اعصار متمادی صدق نظرات او را بر اندیشمندان ثابت کرده است؛ چنان که امروزه بعد از تجارب و اکتشافات فراوان، علمای عصور (متأخر) به جایگاه علمی او پی برده‌اند.<sup>۱</sup>

آری، امام در اندیشه الهی حجت دین است و بر پادارنده و قیم شؤون مسلمین می‌باشد. با این وصف او اولین کسی است که شرح رسالت و حمل امانت می‌کند و بواسطه خصیصه علمی و گستره ورودش به اسرار کتاب و سنت، قانندی است که برای حراست در تطبیق شریعت با حقیقت دین بر مبنای عدالت و تحقق خیر و سعادت برای تمامی پیروانش قیام می‌نماید. در واقع امامت، امتداد رسالت و نیابت از نبوت است و مبین فضایل متعالی و عظیم است تا به سبب آن مسلمین به راه صحیح و طریق مستقیمی که خدا - برای بندگان صالحش - ترسیم کرده، برسند.

این استاد می‌گوید «امام صادق (ص) دریای علوم را از محضر پدرش امام باقر (ص) در مدینه منوره فرا گرفت و در دوران جوانی به استقبال علوم دینی و دنیوی شتافت تا بر تمامی اهل زمانش از جهت علمی پیشی گرفت و بصیرترین انسان در قضایای الهی و دنیوی گردید» (همو).

محمد عبد المنعم الخفاجی استاد دانشگاه سوربون که بسیاری از علمای اروپا و

مستشرقان در پای درس او تلمذ نموده و به عنوان علامه از او یاد می‌کنند در دروس آکادمیک خود در بخش تاریخ علمی امامیه به حیات امام صادق (ص) و اندیشه او پرداخته که این اثر در سال ۱۹۷۰م در پاریس به چاپ رسیده است.

در این اثر او امام را این گونه معرفی می‌نماید «ما چه بگوئیم از صادق (ص) که امام ابوحنیفه (۱۵۰هـ) در مکتبش شاگردی نموده و مالک تلمذ از ابوحنیفه کرده و شافعی (۲۰۴هـ) شاگردی مالک، احمد بن حنبل (۲۴۱هـ) شاگردی شافعی را کرده

---

۱- او سپس به زبان اعتراف در حقانیت امام شیعی می‌گوید: «و الامام هو الدین القیم علی شؤون المسلمین من اتباعه و هو بهذه الصفة موهل لشرح الرساله و حمل الامانه بفضل علمه باسرار الكتاب و السنه و هو الذي يقوم علی تطبیق الشریعه بما یکنل العداله و یحقق الخیر و السعاده لمجموع اتباعه من المسلمین و الامامه امتداد للرساله و نیابه عن النبوه و هی صورہ صادقہ لفضایل السمو و الجلال ... یهتدی به المسلمون الی المحجه الصحیحه و الطریق السوی الذی رسمه الله تعالی للصالحین من عباده !!» (آل علی، ۱۴۲۰ هـ، ص ۶).

است. بنابراین امام صادق (v) پیشوای فقیهان و استاد آنها بدون استثنا است ... شعار مدرسه الصادق آزادی اندیشه و تفکر بود. وی علوم زمان خود را به خوبی مدون نمود، در عصری که زمان تحول جدیدی در تاریخ اسلامی محسوب می‌گردید، او از مغالطه یا اختلاف یا کناره‌گزینی و عزلت‌نشینی بر حذر بود» (آل علی، ۱۴۲۰هـ، ص ۶ و ۱۵).

### صادق آل محمد (v) و گنجینه علوم و معارف بشری

نویسنده کتاب «الامام الصادق کما عرفه علماء الغرب» می‌گوید «وقتی انسان آثار امام صادق (v) را مورد بازبینی قرار می‌دهد، خواننده گاه گمان می‌کند که در برابر یک دانشمند شیمی قرار دارد و گاه خود را در برابر یک عالم فلکی می‌انگارد و گاه در برابر طبیبی حاذق که بدن انسان را تشریح و امراض و اسقام و علل و طرق معالجه آن را بیان می‌کند و وقتی به علوم انسانی و معنوی باز می‌گردد، در برابر خویش عالمی ربانی و چهره ملکوتی مشاهده می‌کند» (همو، ص ۴۳).

در متون تاریخی آمده که حضرتش به شاگردان در کنار علوم انسانی، علوم پزشکی می‌آموخت. دکتر الخفاجی نیز می‌گوید «او عناصر اربعه را کشف و اولین کسی بود که بشر را به سوی اکسیژن هدایت کرد و نظریاتی راجع به اشعه، نجوم، زمان و مکان، نور و عالم کون را ارائه داد و نیز به حقایق فراوانی در فکر و دین و حکمت و فلسفه و طبیعت و تاریخ نظر داشت» (همو).

شیخ مفید در «الارشاد» می‌گوید «مردم آن قدر از علوم ایشان نقل کرده‌اند که در تمام دنیا منتشر گشته و آنچه از او نقل شده از هیچ یک از ائمه اطهار نرسیده است و آن قدر دلایل و معجزات بر امامت آن حضرت ظاهر گشته که دلها را روشن و زبانهای مخالفان را از ایراد و سرزنش لال نموده است» (المفید، بی‌تا، ص ۲۷۰). در روایتی آمده که مردی نصرانی از امام صادق (v) درباره تفصیل اجزا بدن سؤال کرد. حضرت فرمود «خداوند انسان را خلق نمود بر ۱۲ عنصر پیوندی و ۲۴۶ استخوان و ۳۶۰ رگ. اما عروق چیزی هستند که سرزمین بدن و کالبد انسان را آبیاری می‌کنند [و زندگی انسان از آنهاست] و استخوانها بدن را نگه می‌دارند و چربیها و پیه، استخوانها را نگه می‌دارند و عصب، گوشت بدن را نگه

می‌دارد. خداوند در دست انسان ۸۲ استخوان را مقرر داشته که در هر دست ۴۱ استخوان که بخشی از آن در کف دست راست که تعداد آنها ۳۵ استخوان می‌باشد و در ساعد ۲ تا و در بازو یکی و در کتف ۳ استخوان قرار داده است» (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۵۵ - ۲۵۶).

محمد بن مسلم می‌گوید امام می‌فرمود «برای تب هیچ چیز مثل جریان آب سرد نیست [تا دمای بدن را فرو نشانند]»<sup>۲</sup> (الحرالعالمی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۲، ص ۶۴۷).

اینها گوشه‌هایی از خزائن علوم جعفری است و کتب بسیاری در «طب الاثمه» به نگارش در آمده است. عده‌ای چون مجلسی و حر عاملی کتب خود را به این گونه علوم اختصاص داده‌اند، مضاف بر آنکه در کتاب «توحید مفضل» امام صادق (ص) بخشی از حقیقت علوم زیست‌شناسی و حکمت خلقت آنها را به مفضل بن عمر جعفری آموزش داده است. در علم کیمیا مشهور است که حضرت شاگردانش را با این علم آشنا و افرادی چون هشام بن حکم (۱۹۹ هـ) و نیز جابر بن حیان الصوفی را تربیت کرد که از تقریرات امام صادق (ص) حدود پانصد رساله در کیمیا و طب تدوین نموده است.

حضرتش در هیئت و نجوم آرا و نظریاتی راجع به کروی بودن زمین و دورانی بودن حرکت آن و نیز در مقدار اشعه نجوم و حرکت نور داشته‌اند، که در مناظرات و دراسات تعلیم می‌نمودند. مثلاً منجمی یمانی به نام سعد بر امام وارد شد. امام از او سؤال کرد کار تو چیست؟

او گفت من از کسانی هستم که نجوم را رصد می‌کنم و بدانها می‌نگرم.

امام (ص) پرسید: میزان ضیای شمس نسبت به نور ماه چند درجه است؟

سعد: نمی‌دانم.

امام (ص) میزان نور ماه نسبت به نور زهره چند درجه است؟

سعد: نمی‌دانم.

۱- «إن الله تعالى خلق الانسان على اثني عشر وصلاً و على مأتي و ستة أربعين عظماً و على ثلاث ماء و ستين عرقاً، فالعروق هي التي تسقي الجسد كله و العظام تمسكها و النشم يمسك العظام و العصب يمسك اللحم و جعل في يديه إثنين و ثمانين عظماً، في كل يد واحد و أربعون عظماً منها في كفه خمسة و ثلاثون عظماً و في ساعده إثنان و في عضده واحداً و في كفته ثلاث و كذلك الأخرى».

۲- «و ما جئنا للحمي مثل الماء البارد».

امام (ص): درباره مشتری و نسبت نور آن به عطار چه می‌دانی؟ و ... در کلام دیگر آمده که فردی از «واسط» آمد و امام (ص) از منظومه شمسوی و حرکت کره زمین سؤال کرد و گفت و شنودی مفصل میان حضرت و او رد و بدل شد که کلینی در «کافی» بدان پرداخته است.<sup>۱</sup>

همچنین در علم اسطرلاب<sup>۲</sup> نیز مهارتی بی‌بدیل داشته‌اند (آل علی، ۱۴۲۰ هـ، ص ۶۰). اینها قطراتی از آن دریای بیکران است که تا امروز بشریت از طراوت و جریان آن بهره می‌جوید، و این چشمه جوشان نه تنها روح‌ها و اندیشه‌های طالب علم و معنویت را سیراب می‌کند که تمامی علوم وارداتی در دنیای اسلام را منقح می‌نماید و پس از تصفیه، آن را بدور از هر گونه افراط و اغماض و تعصب و انحراف به جامعه بشری آن زمان تزریق می‌نماید. این جاست که علوم جانبی مثل آشنایی با سایر زبانها و فن ترجمه به شدت رونق می‌گیرد و مقیاس حقیقت و میزان واقعیت، کلام صادق آل محمد (ص) می‌گردد. شاید کلامی و مثالی در وصف امامان شیعی به گونه اعم؛ در وصف امام صادق (ص) به گونه اخص؛ چون کلام فرزندش امام هادی (ص) نباشد که در زیارت جامعه به بیان جامع جایگاه امامت در شیعه می‌پردازد.<sup>۳</sup>

### جامعیت مفهوم علم در فقه جعفری

با بعثت رسول گرامی اسلام خطاب‌های عام و بین‌المللی مکتب قرآن با «یا ایها الناس»، «یا بنی آدم» و «یا ایها الانسان» مرزهای قبیله‌ای و جغرافیایی را در می‌نورید و پیام خویش را به گوش انسانهای بیدار و فطرت‌های پاک می‌رساند و برای نجات انسانها از سلطه جهل و بی‌خبری و طغیان مفساد، پیامهای برخاسته از علم و حکمت، تقوی و فضیلت داشت.

۱- رک به: (الکلینی، ۱۳۹۱ هـ، ج ۱، ص ۲۵۱).

۲- اسطرلاب لفظی یونانی و مأخوذ از کلمه «اسطرلابون» به معنای آینه ستارگان است. و برخی آن را لفظی فارسی دانسته‌اند.

۳- سید عباس قمی در زیارت جامعه کبیره می‌فرماید «السلام علی محال معرفة الله و معادن حکمة الله و مساکن برکة الله و حفظة سر الله و حملة کتاب الله و اوصیاء نبی الله و ذریة رسول الله و رحمة الله و برکاته».

انگیزه بعثت در این نهضت عظیم «بزرگیهم و یعلّمهم الكتاب والحکمه» (جمعه، ۲) بود. این کلام با «إقرأ باسم ربک» (علق، ۲) آغاز می‌گردد و وسیله ابلاغ آن «ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی أحسن» (نحل، ۲۵) بود. در این اندیشه مکانت انسان متناسب با منزلت علمی او، آمیخته با علم و شهادت «اولوا العلم» قرین شهادت خدا و ملائک محسوب می‌گردد و رفعت صاحبان علم و اندیشه بالاترین پیام در کلام وحی بود، زیرا «یرفع الله الذین آمنوا والذین معه اوتوا العلم درجات» و نیز «وما یقتلها الا العالمون» در وصف ایشان مقرر گردیده بود.

در این جا علم اختصاص به آموزه‌های کلاسیک و متعارف نداشت و نفس علم از مختصاتی برخوردار بود که همان علم با همان ویژگی‌ها از مختصات فقه جعفری گردید. بعضی از آن مختصات به قرار زیر است:

الف - قبل از تعلیم چنین علمی تزکیه و صفای باطن لازم است. لذا به این اعتبار این علم همگانی نیست بلکه «العلم نور یتنزه الله فی قلب من یشاء» و این علم که خاستگاه آن نور باطنی است مبدأ تعدی و تفاخر به سایر انسانها و جوامع بشری نیست، بویژه آنکه اگر انسان قائل به اتحاد علم و عالم و معلوم باشد. چنانچه اندیشه بزرگانی چون علامه طباطبایی در فلسفه چنین است.

ب - این علم به پیرایه حکمت مقرون است و حکمت چیزی ورای علم است، زیرا بخشی از علم و فرآورده‌های علمی با آموزش مقدر است، لیکن حکمت با تلاش علمی مقرون به تزکیه نفس ممکن می‌گردد و کلاس و مدرسه علت تام آن نمی‌باشد. لذا می‌فرماید: «یؤتی الحکمه من یشاء و من یؤتی الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً» (بقره، ۲۶۹). یا در حدیث است که معصوم می‌فرماید «من أخلص لله أربعین صباحاً جرى الله ینابیع الحکمه من قلبه الی لسانه». خاستگاه حکمت محض عبودیت پروردگار و اخلاص ورزی در اطاعت اوست و بر همین اساس است که حکمت را به کلمات حکیمانه ائمه علیهم‌السلام هم تفسیر نموده‌اند. حال اگر علم با حکمت و فضیلت مقرون گردد، آنچه که از او می‌طراود، جز سعادت و هدایت و خیر نمی‌باشد، که خاستگاه فقه جعفری بر این مایه قوام یافته است. چنانچه در مباحث قبلی بدان به اشاره رفت.

ج - علم در خاستگاه فقه جعفری برخاسته از اندیشه توحیدی مقرون به خشیت الهی است و این علم که محور آن احکام الله است؛ شیوه استخراج و استنباط و استدلال بر محوریت حکم خدا است. لذا اهداف نفسانی و دسایس و حیل شیطنی هرگز در آن راه ندارد. زیرا «*إنما یخشی الله من عباده العلماء*» (فاطر، ۲۷)، پایه این فقاہت، علمی است که پیکره آن را نور وحی شکل بخشیده و برخاسته از ظنون و اعتبارات عقلیه غیر یقینی و بدون استناد نیست «*ولا تفت ما لیس لک به علم*» (اسراء، ۳۶) در آن جایی ندارد. مضاف بر آنکه در جای جای آن اصول عقلی و مستندات شرعی به چشم می‌خورد «*ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه*» (نحل، ۱۲۴) عجین بودن عقل و نقل، علم و حکمت را در کتاب و سنت تبیین می‌نماید.

باید اذعان نمود که اندیشه توحیدی در جهت‌گیری علمی و تفکرات انسان نقش بسزایی دارد. این جاست که جامعه عرب قبل از ظهور اسلام به رغم توسعه علمی مثل شعر و شاعری و «معلقات سبع» محکوم به امی بودن می‌شود. دلیل دیگر بر این استناد، کلام ابراهیم خلیل است که به عمویش آذر می‌گوید «ای پدر من از علمی برخوردارم که تو از آن بی‌نصیبی. پس در این جهت باید مرا متابعت کنی تا تو را به سوی صراط مستقیم هدایت نمایم» (مریم، ۴۳). اشاره به اینکه مقوله علم در فرهنگ وحی غیر از مفهوم آن در فرهنگ غیر دینی است. در این جا علم واقعی آن است که بشر را در راه حق و اهداف والای الهی رهنمون سازد و منشأ عمل گردد.

د - در این مکتب مراد از علم، علم متن‌گرا و بدون رسوخ علمی نیست. بلکه در موارد عدیده ورود عمیق و رسوخ علمی مورد نظر شارع است، چنانچه در برداشت از مفاهیم و نصوص شرعی و نیز آیات متشابه و همچنین کلمات ائمه علیهم‌السلام سخن از رسوخ علمی و بطن‌گرایی است. چنانچه می‌فرماید «*وما یعلم تأویلہ الا الله و الراسخون فی العلم*» (آل عمران، ۷). از ائمه علیهم‌السلام و نیز امام صادق (ص) آمده که «*نحن الراسخون فی العلم*». اهتمامی که این امام در تنظیم و تدوین

---

۱- «یا ابت انی قد جائنی من العلم ما لم یأتک فاتبعنی أهدک صراطاً سویاً».



اصول و ارکان شیعی بکار می‌برد، خود مبین توجه به بطون نصوص و ادله شرعیه است.

هم چنان که خداوند متعال در آیات متعدد و با عبارات مختلف انسانها را در تعامل با آیات به تفکر و تأمل و تدبیر دعوت می‌نماید. مثلاً در سوره نسا می‌فرماید «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء، ۸۰). در این آیه انسانها را به سیستم قانونگذاری الهی توجه می‌دهد و اینکه از هماهنگی و عدم اختلاف و همسویی در بیان آیات و احکام و ارتباط منطقی و منظم میان آیات باید انسانها به حقانیت شیوه قانونگذاری و کمال برسند. وحدت رویه در قانونگذاری و عدم اختلاف، خود دلیل روشنی بر صداقت این کلام است. یعنی عبور از برداشت ظاهری و تعمق و ایجاد ارتباط میان اجزای قانونگذاری در شناخت بشر از قانون الهی بسیار مؤثر است و بر همین اساس در آیه بعد نیز می‌فرماید در مواردی که اینان از دریافت حکم واقعی به هر دلیلی عاجز باشند، رجوع ایشان به رسول خدا (p) و اولی الامر یعنی رهبرانی که اهل غور باطنی و استنباط هستند، ضروری است. سپس می‌فرماید «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَ الَّذِينَ يُسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (نساء، ۵۹). مفسران در درجه اول، اهل استنباط را پیامبر (p) و ائمه علیهم السلام و در درجه بعد دانشمندانی می‌شمارند که صاحب دقت و بطن‌گرایی هستند.<sup>۱</sup> چنان که اهل لغت استنباط را از ریشه «نَبَط» به معنای «نَبَعَ» و در باب استفعال به معنای استخراج گرفته‌اند. به اولین آبی که از دل چشمه بیرون می‌ریزد می‌گویند «نَبَطُ الْمَاءِ» یا «نَبَعَ الْمَاءُ» (القرشی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۱۱). این استنباط که خاستگاه فقه شیعی است، وقتی با دریای بیکران علوم و حیانی و ولایت قرآن بهم می‌آمیزد، عصاره آن فقهی می‌شود که جعفر بن محمد الصادق (v) در تدوین و تنظیم آن همه معیارهای الهی را به کار گرفته تا چنین شیوه قانونگذاری بتواند تا قیامت پاسخگو باشد و از تعرض و دستبرد و مطامع و مقاصد انسانهای فریفته زر و زور و زیور در امان بماند.

---

۱- رک به: (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۳۰ - ۳۱).

این آیه مبارکه خود گواهی روشن است که کندوکاو در کتاب وحی از باب «لا یسه إلا المظهرین» (واقعاً، ۷۹) و «لا یعلم تأویلہ إلا اللہ و الراسخون فی العلم» (آل عمران، ۵) است، لذا غواصان واقعی در آن، کسانی هستند که در مسیر طولی راه حق و راه رسول حق قرار گرفته‌اند. این گونه آیات ضرورت آمیختگی قرآن و عترت را بیان می‌کند، در عین آنکه حقیقت استنباط را روشن می‌سازد.

### رسالت جهانی تشیع در انتقال علوم اسلامی

رسالت شیعه جعفری در عصر کنونی با توجه به این نذیره گرانقدر الهی و سرچشمه زلال فقه جعفری روشن می‌گردد. امروز فقه شیعی حامل رسالتی است که شیعه بودن ضرورت پذیرش این مسؤلیت را ایجاب می‌نماید و حامل امانتی است که این امانت را باید امروز به بشریت فرو رفته در حیرت و فاقد معنویت ارائه دهد، زیرا مسیر آینده شیعه پیوسته از سوی ائمه روشن گردیده است.

مام امامت در خطبه فدک، این مسؤلیت را از امت شیعی خواهان است که «یا عباد الله نصب امره و نهیه و حمله دینه و وحیه و امانه الله علی أنفسکم و بلغائه الی الامم» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۲۸، ص ۲۰۵؛ طبرسی، ۱۳۸۶ هـ، ص ۱۰۵ و ۱۰۶). شما ای جامعه مسلمین پرچمداران امر و نهی الهی در میان مردمید و حاملان وحی و کسانی هستید که رسالت دین خدا را به دوش کشیده‌اند. شما امینان حق در میان خودتان و مبلغان دین و حقایق دینی به سایر امم هستید «زعیم حق له فیکم و عهد قدمه الیکم» (ممو). همان رهبر حق و الهی در میان شماست و بر این میثاق نسبت به حفاظت از دین و پیروی از امامت شما متعهد شده‌اید. این پیام به بیان‌های گوناگون در السنه ائمه معصومین علیهم‌السلام وارد شده است.

پس شیعه دو رسالت عمده دارد:

الف - دریافت حقیقت وحی، کتاب و سنت از طریق مکتب راستین امامت و ولایت.

ب - ابلاغ حقایق به همه انسانهایی که چشم انتظار حقیقت و تشنه آب گوارای علوم آمیخته به هدایت و معنویتند. لیکن در این ابلاغ باید شیوه‌های ارائه متناسب

با نیازهای زمان باشد. این جاست که امام صادق (v) شیوه‌های علمی را در استخراج حقایق کراراً بازگو می‌کند.

### بررسی مبانی سیاسی اجتهاد و انفتاح باب علم در فقه جعفری

شاکله فقه شیعی که تدوین آن از زمان رسول خدا (p) و امیرمؤمنان (v) آغاز شد و توسط باقرین علیهما السلام تکمیل و تبیین گردید، از مبانی علمی و اجتهادی ویژه‌ای برخوردار است که زبان اعتراف و عجز در برابر توانایی و قوام آن در طول تاریخ از سوی اندیشمندان و عالمان، گویای کارآمدی و جامعیت آن است. از این روست که در بسیاری از برهه‌های تاریخ بویژه در زمان حضور ائمه علیهم السلام افرادی چون حاکمان و سلاطین و یا عالمان درباری بنای معاندت و رویارویی با ایشان را می‌گذاشتند که در کتب تاریخی و روایی فراوان نقل گردیده است.

امام صادق (v) با توجه به رسالت علمی و اهمیاتی که بر بدعت‌زدایی و نفی کتمان و التباس داشتند، بر خود واجب می‌دانستند که در عین بیان نقیصه‌های فراوان و انحرافات و تحریفات وارده در اندیشه سایر فرقه‌ها، به مقابله عالمانه و مدبرانه با حاکمان جور اقدام نمایند. از طرفی رسالت تدوین یک سیستم قانونگذاری جامع را بر اساس اندیشه توحیدی و سنت نبوی و شیوه علوی بر خود لازم و انتقال ابواب مختلف علوم را به سینه‌های مستعد و استعداد‌های درخشان و اندیشه‌های رشید، واجب می‌دیدند و از سویی ایجاد زمینه انقلاب فکری و اصلاحاتی اساسی را در اندیشه توده مردم فرض می‌شمردند. این جاست که امام (v) بر عملی خارق‌العاده و فوق‌توان سایر انسانها اقدام نمود، که بررسی آن در این بخش ضروری می‌نماید.

اسد حیدر در «الامام الصادق و المذاهب الاربعه» در این باره می‌گوید «مذهب اهل بیت مورد حملات ظالمانه و هجمات ضیق و سخت قرار می‌گرفت و مورد مقابله و فشار بود و شیعیان متمسک به اهل‌بیت در معرض هر خطری بودند و پیوسته مورد اتهام قرار می‌گرفتند و در نزد عالمان درباری تابعان سلطه، خارج از اسلام معرفی می‌شدند و از جماعت ایشان احتراز می‌جستند. لیکن شیعه به رغم

همه این عکس‌العملها بر تعالیم نبوی و رسول خدا ایستادگی نمودند و در اخذ احکام اسلامی از طریق اهل بیت استقامت جستند، زیرا شیعه، اهل بیت را عدل قرآن و تمسک به ایشان را از ارکان دین و متابعت ایشان را هدایت مفروض و خود آنان را به منزله سفینه نوح و باب «حطه» می‌دانستند. این جاست که حفاظت بر وصیت پیامبر (p) در مورد آتش را بر خود لازم می‌دیدند و اقتدای بر راه ایشان را پذیرا شدند و باب اجتهاد را مفتوح نگاه داشتند و شیوه درسی ایشان از تأثر سلطه بدور بود» (حیبر، ۱۴۰۳ هـ ص ۱۷۵).

او از قول یکی از اندیشمندان اسلامی این گونه نقل می‌کند «قفل و انسداد باب اجتهاد معنایش مقابله با حریت اندیشه است که ما قائلیم دین برای نجات همه بشریت آمده تا بتواند پاسخگوی زمان‌های مختلف و اقوام و شعوب باشد. اکنون بعد از گذشت هزار سال مسلمین (اهل سنت) به واسطه این خلأ بزرگ دچار بحران و ایستایی هستند.

اندیشمند دیگری از اهل سنت می‌گوید «منع اجتهاد، سر عقب‌ماندگی مسلمین است. زیرا مسلمین در تحولات، موازی با زمان حرکت نکردند و در حالی زندگی را پشت سر گذاشتند که آنچه پیشینیان به عنوان دین برای ایشان گذارده بودند بدون تبدل و تغییر قابل استفاده نبود» (حیبر، ۱۴۰۳ هـ ص ۱۷۵).

از طرفی ولات و سلاطین اجتهاد را منع می‌نمودند تا سلطنت و حاکمیت آنان پایدار باشد و در این صورت مطمئن بودند که معارضی در مقابل خود نمی‌بینند، زیرا اگر احدی در مقابل آنان نظری می‌داد، می‌گفتند باب اجتهاد بسته است و تو حق معارضه با حکومت را نداری. این جاست که تشریح قوانین اسلامی دچار جمود گردید. حال آنکه شریعت رسالتی جز دمیدن روح حیات در جامعه و حیات امت نداشت.

دکتر عبدالدائم البقره الانصاری، زمان عثمان را مثال می‌زند که از محافظه‌کارانی بود که وقتی برای رسیدن به خلافت گفته عبدالرحمن بن عوف را پذیرا شد، خود را ملزم به سیره شیخین نمود و این همان فقدان اجتهاد بود. در صورتی که امام علی (v) بر این مسأله موافقت نداشت، زیرا قائل بودند که زمان در

حال تغییر و تحول است، لذا پذیرش خلافت از سوی عثمان با آن شاکله خاص، موجبات سقوطش را فراهم آورد (همو، ص ۱۷۹).

### خاستگاه مقابله با ظلمه و مبارزه با حکام جائر در فقه جعفری

استاد مطهری درباره سید جمال الدین اسد آبادی که او را سلسله‌جنبان نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر معرفی می‌کند، می‌گوید «او بود که بیدارسازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد، دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع‌بینی خاص بازگو نمود. راه اصلاح و چاره‌جویی را نشان داد ... سید جمال مهمترین و مزن‌ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و با این دو به شدت مبارزه کرد ... بازگشت به اسلام نخستین و در حقیقت حلول مجدد روح اسلام واقعی را در کالبد نیمه مرده مسلمانان فوری و حیاتی می‌دانست. بدعت‌زدایی و خرافه‌شویی را شرط آن بازگشت می‌شمرد ... از خصوصیات بارز سید جمال این بود که در اثر آشنایی نزدیک با جامعه شیعه و نیز سنی، تفاوت و دوگانگی وضع روحانیت شیعه را با روحانیت سنی به خوبی درک کرده بود. او می‌دانست که روحانیت سنی یک نهاد مستقل نیست و در مقابل قدرتهای استبدادی و استعماری قدرتی به شمار نمی‌رود؛ بلکه وابسته به حکومت‌هایی است که خود، قرن‌ها آن را به عنوان «اولی‌الامر» به جامعه معرفی کرده است [او معتقد بود] علمای دینی سنی از این جهت که بشر به عنوان پایگاه ضد استبداد و ضد استعمار از آنها بهره جست، امتیاز خاصی ندارد ... ولی روحانیت شیعه یک نهاد مستقل و یک قدرت ملی است، همواره در کنار مردم و در برابر حکمرانان بوده است از این رو سید جمال در جامعه شیعه اول به سراغ طبقه علما رفت» (مطهری، بی‌تا، ص ۱۹-۲۰). آری این نقطه قوتی است که در طول تاریخ فقه جعفری بوده و همچنان هست.

اسد حیدر در باب اندیشه جعفر بن محمد در مقابله با ظلمه و حاکمان اقتدارگرا با عنوان اولی‌الامر می‌گوید «شیوه امام صادق (ص) بر این بود که نهی از ظلم و محاربه با ظالمان را ترویج و آنان را به دوری جستن از ظلمه و عدم کمک و تعاون ایشان ترغیب می‌نمود. اقوال آن حضرت در این زمینه زیاد است و به

واسطه این تشخیص مانند نوری است که بر فراز قرون و اعصار نفوس را هدایت می‌کند و ذکر و نامش و سیره‌اش بر زبان علما پیوسته جاری است - از قدیمی‌ترین زمانها - و نامش در اصلی‌ترین کتب باقی و جاری است. او به منزله نوری است که در آسمان عقول بشری ساطع شد و در زمینه مقابله با ظالمان قواعدی مشروع را ارائه داد. او بهترین کسی است که کیان ظلم و ارکان آن را در هم پیچید<sup>۱</sup> این سیره او و سیره آبابی و اجدادیش بود که هر یک از اهل بیت بر آن قیام می‌نمودند. چنان که از مظهر عدل امیرمؤمنان آمده است که «به خدا سوگند اگر اقالیم سبعه را به تمامه و آنچه در تحت افلاک است به من بدهند بر اینکه معصیتی را در برابر خدا انجام دهم و پوست جوی را از دهان موری ستانم هرگز چنین عملی را انجام نخواهم داد». از این جاست که امامان شیعی پیوسته طعمه شمشیر ظالمان می‌شوند. چون آنان از باب امتثال امر الهی به سبب «لا ترکوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار» (هود، ۱۱۳) نه بر ظلمه اعتماد کردند و نه آنان را یاری نمودند. این جاست که امت شیعی کرامتش را حفظ نمود و قوت و رفعت پیدا نمود.

اسد حیدر سپس به داستان صفوان جمال و کرایه دادن شترانش به هارون اشاره می‌کند و به مقابله امامان شیعی با حکام جور و درباره امام صادق (ص) و مجاهدت او و تأثیر این اندیشه در سیستم قانونگذاری سخن به میان می‌آورد و می‌گوید «امام صادق (ص) در عصر خود قیام نمود و صراحتاً به عواقب و نتایج ظلم برای مردم آشکارا سخن گفت و برای آنان بیان نمود که هر فسادی که روی زمین انجام می‌شود و نیز بخشی از معاصی و اضطراب در نظام عمران و آبادی زمین، بواسطه جور حکام به مردم است؛ بلکه بالاتر هر گونه قحطی و تنگنا و سختی در معیشت و گرسنگی و به هم‌ریختگی اقتصادی و خوف و بلا و انتقام در اثر ظلم عده‌ای بر عده دیگر است. این جاست که امام صادق (ص) به دوری جستن از آنان و حرمت ولایت آنان امر می‌نمود، زیرا او به روشنی می‌دید که در ولایت انسان جائز

۱- کان الامام الاصادق (ع) ینهی عن الظلم و یحارقه الظالمین و یأمر بالابتعاد عنهم و عدم التعاون معهم و اقول اللهم فی ذلک کثیره (حیدر، ۳: ۱۴۰ صص ۲۷۲).

احیای باطل و از میان رفتن حق به کلی است. ... لذا از کمک به آنها حتی در ساختن مسجد منع می‌نمود» (حییر، ۱۴۰۳ هـ، ص ۳۷۴).

این ساختار کلی اندیشه ائمه علیهم السلام در مقابله با طواغیت و حکام جور بود و بر همین اساس از اولین تا آخرین آنان بر این هدف اهتمام می‌ورزیدند و بالاترین خطر برای حکام زمان خود محسوب می‌شدند. به همین جهت حکام جور در حق آنان از هیچ تعدی و تجاوزی کوتاهی نمی‌نمودند و از هر گونه ارتباطی میان آنان و عامه مردم ممانعت به عمل می‌آوردند و انواع تبلیغات سوء را علیه آنان بکار می‌گرفتند و اگر زندانهای مخوف قعر چاه را برای آنان تعبیه می‌نمودند حاصل نگرانی و خوف ظلمه، از تأثیر عمیق رفتار و گفتار ائمه علیهم السلام بر جان و روان عامه مردم بود. خوراندن بدترین سموم، تهدیدات، هجمات شبانه و حتی دادن مأموریت به افراد فاسق و فاجر و خارج از دین و انسانیت در مراقبت و زندانبانی از ائمه علیهم السلام حاصل همین اندیشه عزت آفرین در آنها بود. در عرصه سیاست حکومتی بویژه بعد از قیام امام حسن (ص) حکام اموی و عباسی به خوبی دریافته بودند که مقابله با فرزندان رسول خدا و اهل بیت بالاترین عوارض را برای تخریب ارکان نظام حکومتی آنان دارد، لذا دعوت از حضرت رضا (ص) و حرکت دادن ایشان از مدینه بصورت تحت‌الحمایه بودن، برخاسته از خوف دستگاه مأمون از محبوبیت و جایگاه ویژه فرزندان علی (ص) در میان مردم است. این اندیشه راستین از نخستین روزهای رحلت پیامبر گرامی اسلام از خانه علی (ص) با مدافعه و رویارویی «بضعه منه» فاطمه (س) آغاز گردید. روزی که انحراف در حاکمیت به نام شورای حل و عقد شکل گرفت و مسیر خلافت علی (ص) که حاصل انتصاب نبوی بود، به انتخاب اجمالی حاصل در سقیفه مبدل گردید و آنچه را که اسلام در جهت مقابله با آن طی ۲۳ سال بر آمده بود و در عرصه سیاسی به عنوان مبارزه با طاغوت و نفی سلطنت زر و زور و تزویر از سوی نبی مکرم معرفی شده بود، بواسطه دسیسه فرصت‌طلبان به یکباره اهداف خلافت را نفی و به باز کردن مسیر برای سلطنت در تاریخی نه چندان دور اقدام نمود.

این جاست که امام امامت که تحمل این انحراف و التباس بر او بسیار ناگوار می‌نمود، به دفاع از حقیقت دین و ولایت راستین پرداخت و با قامتی استوار به مدافعه و مقابله با دستگاه حاکم بر می‌خیزد و گاه با خطاب‌های آتشین و گاه به حمایت از همسر خود و یاور راستین پیامبر (p) به در خانه مهاجر و انصار می‌رود و آنان را متوجه عهد و پیمان‌شان با پیامبر (p) می‌سازد و جایگاه و تشخص علی (v) را در طول تاریخ نهضت نبوی بازگو می‌کند و جایگاه قرآن و عترت را متذکر و آنان را نسبت به این خیانت نابخشودنی هشدار می‌دهد و می‌گوید شما کسی را کنار گذارید که نه تنها از سوی خدا و رسولش منصوب شده بود، که *«زعیم حق له فیکم و عهد قدمه إلیکم و بقیه استخلفها علیکم»* (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۲۸، ص ۲۰۵) یعنی امام به حق در میان شما و اطاعت از او حقی بود که از پیش با شما گرفته شده بود و جانشینی بود که پیامبر او را بعنوان خلیفه باقی گذارده بود. او کسی بود که *«مکدوداً فی ذات الله، مجتهداً فی امر الله، قریباً من رسول الله، سیداً فی أولیاء الله، مشمراً، ناصراً، مجدداً، کادحاً، تأخذهُ فی الله لومه لائم»* (همو) می‌باشد.

لیکن شما به فرمان شیطان تن دادید و در حالی که هنوز از عهد شما در غدیر چیزی نگذشته بود و پیامبرتان هنوز دفن نشده بود که بهانه آوردید در حالی که *«ألا فی الفتنه سقطوا و إن جهنم لمحیطه بالکافرین»* (توبه، ۴۹). جعفر بن محمد الصادق (v) در زمان خود این اندیشه را احیا نمود و عامل انتقال صحیح حاکمیت ولایی معصوم از گذشتگان به آیندگان بود.

مبنای این اندیشه شیعی هم همان قانونگذاری بر اساس عدل و اقامه شریعت و احکام خداست زیرا در ولایت جور از آن جهت که مجری قانون خود پایبندی به حکم خدا و اقامه حدود الله ندارد و رسالت خلافت را در صیانت از احکام الله و قانونگذاری حق به تمامه پذیرا نیست، لذا وقتی انحراف در مرکز حاکمیت ایجاد شود و در کنار قرآن، قانون کامل و مجری کارآمد و لایق و عادل و عالم و مهذب قرار نگیرد، در لایه‌های بعدی و در گماردگان از سوی حاکم، درصد خطا و سوء استفاده و سوء رفتار بیشتر می‌شود و از آن جهت که فرهنگ *«الناس علی دین ملوکهم»* فرهنگی غالب بر جوامع است، میزان انحراف در میان توده مردم بیشتر می‌شود و رو به ازدیاد می‌گذارد.



نکته قابل توجه آنکه امام صادق (ص) در این گونه موارد مواضعی را در چند جهت اتخاذ می‌نمود تا از جهات مختلف سیاست‌گذاری ظلمه را محکوم و ناکارآمد سازد و این حاصل تفکر جامع به دیانت و نظام قانونگذاری است. لذا نوع سیاست‌گذاری علمی، سیاسی، دینی حضرت از وحدت رویه‌ای برخوردار بود که فرایند سوگیری ایشان در تعاملات مختلف به یک هدف منتهی می‌شد.

یعنی انسان موحد در اندیشه و رفتار موحد است. جهت‌دار حرکت می‌کند، فکر می‌کند، عمل می‌کند و برنامه‌ریزی می‌کند. لذا از طاغوت اجتناب می‌نماید در حرکت توحیدی خود نه به ظلمه تکیه دارد و نه در مقام همراهی و امداد و تعاون آنان بر می‌آید.

این اندیشه ناب توحیدی است که سیاست شیعی را عین دیانت او و دیانت او را عین سیاست او ساخته است.

### جهت‌دهی ولایی در اندیشه جعفری

در کلمات امام صادق (ص) دو نوع جهت‌گیری وجود دارد. جهت‌گیری ایجابی در ولایت حق و جهت‌گیری سلبی در ولایت باطل. یکی از اندیشمندان دنیای عرب و از مردان معتبر حقوقی آنان به نام «توفیق الفکیکی» در رساله‌ای که در باب حیات امام صادق (ص) دارد، این گونه می‌نویسد «همانا امام صادق (ص) در عرصه قانونگذاری سیاست سلبی قاعده‌ای سیاسی را بنیان نهاد که امروزه در عرصه سیاسی به عنوان «عصیان مدنی» نامیده می‌شود؛ همان سیاست عدم تعاون با حکام و دولی که حقوق مردم را محترم نمی‌شمارند. در اندیشه امام صادق (ص) حکامی که حریم قانون را لحاظ نمی‌کنند و معاهدات و موثقیق مورد پذیرش مردم را مقدس نمی‌شمارند و حقوق مشروع امتها را نادیده می‌گیرند، اجازه حاکمیت ندارند و مشروعیت آنها پذیرفته نیست و مردم به آنان متعهد نمی‌باشند، زیرا شیوه اینان همان استمداد از ظلم استبداد و فساد در جهت غایاتی است که بسیار زشت و حقیر و پست است».

اسد حیدر در این باب می‌گوید «امام صادق (ص) واجب می‌نمود بر مردم عدم همراهی و تعاون با چنین ولاتی را و بر حذر می‌داشت از هر گونه تعاملی، کمک به آنان را گناه و معصیت کبیره می‌شمرد».

بر همین اساس است که در مقبوله عمر بن حنظله می‌فرماید «وما یحکم له فاینما یأخذ سحتاً وإن کان حقاً ثابتاً له» (الحرالعالمی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱۸، ص ۹۸). اگر حاکم غیر مشروع و ظالم در یک دعوی حقوقی حکم کند، اگر چه به حق هم حکم کند و مالی را دریافت نماید، این مال سُحت و خوردن به باطل است.

در روایت دیگری این گونه آمده «أما إنه ما ظفر بخیر من ظفر بالظلم، أما إن المظلوم يأخذ من دین الظالم أكثر مما يأخذ الظالم من مال المظلوم» (حیدر، ۱۴۰۳ هـ ص ۳۷۴). این تعبیر واقعاً انسان را در عرصه سیاسی به تعجب و حیرت وا می‌دارد و این عبارات حکیمانه که جز از مصدر وحی و از بوستان ولایت بر نمی‌تابد، گوهرهای بی‌بدیلی است که به رغم گذشت اعصار متمدنی، امروز بشریت متمدن به شدت نیازمند به آن است.

در این تعبیر امام می‌فرماید بشریت باید بداند که کسی که به ظلم در امری پیروز شد او هرگز به خیر دست نمی‌یابد و باید بداند که بیشتر از چیزی که ظالم از مال مظلوم می‌رباید، مظلوم از دین ظالم اخذ می‌نماید. اشاره به اینکه ظالم پیش از آنکه با ظلم چیزی به دست آورد به سبب ظلم چیزی را از دست می‌دهد که در مقابل یافته‌اش بسیار اندک است. در تعبیر دیگری امام (ص) می‌فرماید «کسی که در اعانت ظالمی به نادیده‌انگاری حق مظلومی اعانت می‌کند پیوسته سخط خدای را برای خود فراهم می‌سازد تا دست از همکاری با ظالم بردارد»<sup>۱</sup> (همو).

این کلمات حقایقی است که در آن حقوق بشر به معنای واقعی آن مستور است و اساس عزت و کرامت و حریم آزادی و آزادی انسانها بدان مکنون است.

لذا در مواردی که امام (ص) در عین حاکمیت ظلمه راهی برای قانونگذاری بر پایه عدالت و اقامه حدود الله می‌دیدند، بدون از دست دادن فرصت آن را مغتنم

---

۱- «من أعان ظالماً علی مظلوم لم یزل الله ساخطاً حتی ینزع عن معونته».

می‌شمردند تا راهی برای نجات بندگان و اصلاح آنان باز نمایند. طرح ۳۰ ماده‌ای امام صادق (v) به «عبدالله نجاشی» فرماندار اهواز از همین قبیل است.<sup>۱</sup>

اسد حیدر در این باب می‌گوید «قد وردت عن اهل البيت احادیث بجواز الولاية إذا كان فيها صيانة العدل وإقامة حدود الله والاحسان الى المؤمنين والسعي في الصلاح ومناصرة المظلومين والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر» (حیدر، ۱۴۰۳ هـ، ص ۳۷۴). یعنی قاعده کلی در سیاست‌گذاری حضرت این گونه بوده است که شیوه بیان احکام و قوانین از سوی ایشان کاملاً متأثر از اندیشه سیاسی و اصولی ایشان در قانونگذاری الهی بوده و تابع اندیشه عقلانی شیعی در اتخاذ سیاست ولایی آنان بوده است. لذا هر کجا که صیانت از عدالت یا ورود برای اقامه حدود الله یا احسان به مؤمنان یا سعی در اصلاح آنان و نصرت مظلومان و اقامه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه دینی بوده است، ایشان اقدام لازم و دستورالعمل‌های کاملی ارائه می‌دادند.

نکته قابل توجه آنکه اندیشه فقهی امام یک اندیشه حکومتی و بنیان فقه جعفری بر مبنای فقه جمعی بر خاسته از اندیشه ولایی و حاکمیت انسان کامل است. لذا در دستورالعمل‌های وارده از سوی ایشان عمدتاً قواعد و اصول کلی ارائه می‌شود اگر چه فرد سؤال‌کننده مصداق فردی و فرعی را مورد سؤال قرار می‌دهد. لیکن ایشان جواب را غالباً در قالب کبرای کلی و اسلوب فراگیر قانونگذاری بیان می‌نمایند و این نهایت افتخار شیعه است که سیستم قانونگذاری او بر مبنای اسلوبی فرانگز و جمع‌گرا و طبق مصلحت عامه و نفی منافع فردی و توجه به شاکله شخصیت جمعی است.

لذا اگر شیعه، امام صادق (v) را احیاگر سنت نبوی و سیره علوی و بنیانگذار فقه جعفری می‌شمارد، به اعتبار این اسلوب جامع و ارزشهای بی‌بدیلی است که در قول و فعل و تقریر این امام همام آشکار گردیده به گونه‌ای که از پس اعصار و قرون متمادی امروز جامعه علمی غیرشیعی از چنین شیوه و اندیشه‌ای در اعجاب است و در سلسله مطالب گذشته به مواردی از آن تصریح گردید.

---

۲- رک به: (الموسوی الخميني، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۴۸).

لذا یکی از مختصات فقه جعفری مقابله با طغیانگری ظلمه و حکام جور است که در بطن شریعت و نفس فقاہت شیعه نهادینه گردیده است و این خصیصه الهی از توجه خاص همه ائمه و بویژه امام صادق (ص) در این باب است که اهتمام حضرت در این باب به عنوان نتیجه در چند بند ارائه می‌گردد:

الف - تأکید امام بر عدم اعانت و نفی همیاری مردم با حکام جور و سران سلطه نفاق و حقیر جلوه دادن آنها در نزد مردم.

ب - ایجاد عزت نفس و صلابت خودباوری در اقشار مردم و توده‌های مردمی و اعتمادسازی بر اساس انگیزه‌های جمعی.

ج - نفی سلطه‌گری و سلطه‌پروری و ظالم‌محوری با تدوین اصول کلی و قوانین دقیق.

د - ایجاد نهضت فرهنگی و تغییر آرام و بدون قیل و قال با ایجاد انقلاب فکری و جهت‌دار کردن اندیشه‌ها.

ه - حکم تحریم در معاملات و مبادلات با حکام در جهت تضعیف حاکمان و به انقیاد کشاندن ایشان در برابر جبهه حق.

و - ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن و به اضطراب کشاندن آنها که واکنش‌های غیرمنطقی به دنبال داشت و حاصل آن به نفع جبهه حق و به ضرر حاکمان سلطه‌گرا بود و موجب بر ملاسازی حقیقت جایگاه و چهره کریه و زشت آنان می‌شد.

### مبنای کلامی وحی در ساختار فقه سیاسی شیعی

گاه در طرح القائنات نادرست در برابر شاکله فقه این فرضیه مطرح می‌گردد که این فقه بر مبنای اصلاح منش‌ها و اخلاق فردی است و تشخیص مفهوم عدالت در شاکله هویت فرد مورد نظر است. لذا در شرایط مجتهد، حاکم، قاضی و امام جماعت، اصرار بر اثبات عدالت فرد است.

یکی از صاحب‌نظران و منتقدان در برابر این اندیشه این تئوری ناصواب را این گونه ترسیم می‌کند «در گفتمان حقوقی - سیاسی عدالت، عدم ضمانت‌اجراه‌های خارجی گزاره‌های اخلاقی مستلزم خنثایی عدالت در روابط اجتماعی است و وجه

تمایز اخلاقی و حقوقی ضمانت‌اجراهای خارجی فرمانهای حقوقی است. در حالی که عدالت فقهی و اخلاقی دینی ناظر به تهذیب نفس و تعادل قوای درونی است و غایت آن رستگاری و سعادت ابدی - اخروی فرد می‌باشد. از نظر اینان تعریف فقیهان از عدالت به مثابه عدم ارتکاب کبایر یا ملکه‌ای است که شخص را از ارتکاب کبایر باز می‌دارد یا ملکه‌ای است که مثبت حالت تقوی و مروت است. [لذا لازمه این تفکر] عدم صلاحیت‌های سلطه و اقتدار و حاکمیت سیاسی - اجتماعی فقه اسلامی است». سپس ایشان در رد خنثایی فقه در مسأله عدالت اجتماعی و در پاسخ به این شبهه می‌گوید «فسق در معناشناسی مفاهیم اسلامی در تقابل مفهومی با عدالت در مقیاس خرد [و] رفتارگرایی فردی است. بدین ترتیب فسق عبارت از تخریب، فساد، انحراف [فردی] و میل خرد و بنیادی می‌باشد ولی در مراحل سپس‌تر که این تخریب، انحراف و فساد فربه می‌شود و به حوزه روابط اجتماعی راه می‌یابد، به «جور» تبدیل می‌شود. بنابراین جور عدم استقامت و انحراف کلان از عدالت است ... تعبیر به امام جابر و امام عادل یا سلطان عادل و سلطان جابر تأویلاتی از عدالت در رفتارگرایی سیاسی [فقه] و تقابل مفهومی آن با جور است» (شاکری، ۱۳۸۵، ص ۳).

آری، فقه جعفری یک فقه ذو ابعاد است که بخشی از تشخیص آن جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن نیز می‌باشد. ریشه این ویژگی اندیشه توحیدی و نفی شرک از همه ابعاد زندگی است و این تشخیص و منزلت از آن مردان الهی است. لذا قرآن کریم وقتی پرده از مبارزات انبیا با فراعنه و طواغیت بر می‌دارد، یک وحدت رویه میان آنان برقرار می‌نماید و می‌فرماید «*لقد بعثنا فی کل امه رسولاً ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت*» (نحل، ۳۶) اشاره به اینکه هدف ما از ارسال رسولانمان در هر امتی این بود که آنان را از اطاعت طغیانگران و حکام جور باز دارد و به فرمانبری از قانون الهی وا دارد. مقابله با کفر و الحاد بدان سبب است که «*والذین کفروا اولیاءهم الطاغوت* *یخرجونهم من النور الی الظلمات*» (بقره، ۲۵۷). یعنی کفر زائیده حاکمیت و ولایت‌پذیری طاغوت است که مسیر نهایی و تکاملی این تفکر خروج جوامع انسانی از نورانیت حیات و افتادن در ورطه مخوف ضلالت و ظلمت است. این جاست که «*عبد الطاغوت*» (مائد، ۵۹) و خاضعان در برابر آنان از طرفی «*شر مکاتاً و اضل عن سواء السبیل*» معرفی

می‌شوند و از سوی دیگر ملعون و مغضوب از جانب خالق هستی می‌باشند و مضمول «لعنه الله و غضب علیه» (مائده، ۵۹) می‌گردند. زیرا ذات اقدس کردگار که کبریایی از آن اوست، در عرصه تشریح چنین جایگاهی را مقرر نساخته است و هرگز ولایت انسانها بر دوش افراد طاغی و یاغی و ظالم نهاده نگردیده است. نبرد حق و باطل در طول تاریخ بشر و مقابله با نهضت‌های انبیا از همین جا سرچشمه گرفته است. لذا بالاترین شیوه ابراهیم خلیل‌الرحمن بعنوان سر سلسله انبیا بعد از آدم و نوح که نبوت و امامت در صلب مطهر او نهاده شد، مقابله با نمرودیان و شکستن بتانی بود که شاکله آن بدست انسانها صورت می‌گرفت<sup>۱</sup> (انعام، ۱۴ - ۱۵). لذا قرآن او را «حنیف» و راست قامت می‌شمارد و به این خصیصه او را در سراسر آیات مدح می‌نماید و امت اسلامی را به اقتدای او فرا می‌خواند و نیز به پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید، «بگو پروردگارم مرا به سبیل مستقیم هدایت نموده همان راهی که شیوه راستین و آیین پاک ابراهیم حنیف است که او یک لحظه با شرک زندگی نکرد»<sup>۲</sup> (همو، ۱۶۱).

آری، قرآن کریم مرام ابراهیم را در مقابله با طاغوت شیوه راد مردان الهی می‌شمارد و لذا در یک خطاب فراگیر می‌فرماید «هیچ انسان اندیشمندی از مسلک ابراهیم روی بر نمی‌گرداند مگر کسی که دچار سفه و نابخردی باشد. ما او را در دنیا بعنوان گوی برترین برگزیدیم و در آخرت نیز از بندگان شایسته پروردگار است»<sup>۳</sup> (بقره، ۱۳۰).

این حنیف بودن و راست قامتی و ثبات بر اندیشه توحیدی ارث مردان الهی است و این همان بنای تفکری است که فقه جعفری بر همین مبنا شکل گرفته و عظمت و پایداری آن از زبان دوست و دشمن بر همین اساس است و ولایت محوری شیعی و حق‌باوری او بر همین مبنا شکل گرفته و سیاسی بودن فقه شیعی متأثر از همین اندیشه راستین است. این جاست که در خاتمه این بحث ضرورت پرده‌برداری از

۱- «و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون... و ذکریا و یحیی و عیسی و الیاس...».

۲- «قل اننی هدانی ربی الی صراط مستقیم دیناً قیماً مله ابراهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین».

۳- «و من یرغب عن مله ابراهیم الا من سفه نفسه ولقد اصطفتیناه فی الدنیا و انه فی الآخرة لمن الصالحین».

ولایت حق و باطل و اهداف و گزینه‌های هر کدام ضروری است تا مبانی فکری - کلامی فقه سیاسی شیعی مبرهن گردد.

### نتیجه گیری

الف - نهضت بی‌بدیل امام صادق (ص) بواسطه ویژگیهای علمی و سیاسی پیوسته زبانزد خاص و عام و اعجاب اندیشمندان و متفکران همه علوم گردیده و همواره بر فراز تاریخ بشریت درخشیده است.

ب - امام صادق (ص) نظریات فراوانی را در سایر علوم چون طب، ریاضیات، علوم تجربی، نجوم، کیمیا و... در عصر خود ارائه فرمود که جامعیت آن مقر حاکمیت اسلامی را به عنوان قطب علمی و مرکز تبادل اندیشه، در قرون اولیه بعد از اسلام به دنیا معرفی نمود.

ج - شیوه امام (ص) در ارائه مکتب جعفری، در جمع میان علم و حکمت، طبیعت و شریعت، دنیا و آخرت، طبقه‌بندی علوم و ارتباط منطقی میان آنها، نوآوری در عین قانونمندی، نظم‌بخشی و ساماندهی، ترکیب بدیعی بود که تا آن زمان سابقه نداشت. حریت در بندگی، آزادمنشی و آزادی در اندیشه و غنای علمی و عملی، زمینه‌های مساعدی را برای پرورش استعدادهای درخشان فراهم نمود.

د - در ترکیب فقه جعفری، سیاست مقابله با ظلمه و طواغیت با متن دیانت بهم آمیخته بود و مبارزه با حکام خودکامه و غاصب بالاترین رمز استواری و دوام چنین مکتب علمی بود، زیرا از هر گونه مسامحه، اغماض، مصلحت‌گرایی و تنگ‌نظری بدور بود و بیان حقایق - که در ذائقه حکام تلخ می‌نمود - رمز پویایی و پایایی آن گردید.

ه - خاستگاه فقه سیاسی در اندیشه جعفری همان مبانی ولایی در قرآن کریم بود، در این تفکر ولای حق حقیقتی بود که با ولای باطل هم‌اندیشی و هم‌گرایی نداشت و صراحتاً به نفی ولای کفر و شرک و شیاطین و طواغیت بر اساس آیات وحی می‌پرداخت. این ویژگی، تاریخ فقاہت شیعی را پیوسته مقرون با مبارزه، شهادت، راست قامتی و عزت نمود.

و - امروز بیش از هر عصر دیگری فقیهان شیعی به پیروی از ائمه علیهم السلام خود بویژه بر پایه عدالت علوی و نهضت علمی جعفری باید به تحلیل و بررسی و نقد و پاسخگویی سریع و صحیح پرداخته، نسبت به مسائل جدید و مستحدث با راهکارهای کارساز و تعامل علمی و تضارب آرا میان اندیشمندان زمینه رشد لازم را فراهم سازند تا تولید علم و اندیشه صحیح بر اساس مکتب توحید در جای جای این مرز و بوم نضج گیرد و در سایه ارتباطات، زمینه جهانی‌سازی این مکتب تحرک آفرین محقق گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع و مأخذ

- ✓ القرآن الكريم
- ✓ آل علی، نورالدین، الإمام الصادق كما عرفه علماء الغرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰هـ
- ✓ ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه، تهران، استقلال، چاپ چهارم، ۱۴۱۰هـ
- ✓ ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشید الدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تصحیح و تعلیق: هاشم رسولی محلاتی، قم، موسسه انتشارات علامه، بی تا
- ✓ اصغری، سید محمد، قیاس و سیر تکوین آن در حقوق اسلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰
- ✓ حیدر، اسد، الإمام الصادق و المذاهب الاربعه، بیروت، منشورات الکتب العربی، چاپ اول، ۱۴۰۳هـ
- ✓ دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، تهران، موعود اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ✓ طبرسی، ابی منصور احمد بن علی، الاحتجاج، نجف، دارالضمان، ۱۳۸۶هـ
- ✓ الحرالعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳هـ
- ✓ قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۱
- ✓ الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (فروع)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۱هـ
- ✓ شاکری گلپایگانی، طوبی، «عدالت فقهی - عدالت خرد و کلان»، فصلنامه ندای صادق، تهران، بهار و تابستان ۱۳۸۵
- ✓ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳هـ
- ✓ محدث قمی، عباس، مفاتیح الجنان، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۱هـ

- ✓ مطهری، مرتضی، ده گفتار «اصل اجتهاد در اسلام»، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳
- ✓ همو، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا
- ✓ مکارم شیرازی و جمعی از همکاران، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفدهم، ۱۳۷۳
- ✓ همو، القواعد الفقہیہ، قم، الامام علی بن ابیطالب (ع)، چاپ پنجم، ۱۳۷۹
- ✓ الموسوی الخمینی، روح الله، رساله نوین، ترجمه و توضیح: عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی